

نابود باد جنگ؛ مرگ بر
خمینی؛
زنده باد صلح و آزادی

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

دوره ۴ - سال دوم
شماره ۱۸ - ۱۵۲ - ۶۴

ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

۱۰ صفحه - ۵۰ ریال

جنگ، جنگ، جنگ تا پیروزی بمعنی جنگ، جنگ تا نابودی خلقها

بدنیار عیقتگر شدن بین پستویود در بیجه های
بنگ ارت باعی و در زمان دگی روز افزون رژیم در
حل معضلات گریبانگیر آن، بار دیگر " بسیج عمومی "
برای گسیل داشتن جوانان و نوجوانان روستائیی
و شهری به کشتارگاهها باو گرفته است. اینبار نیز
از احساسات مذهبی و توجهات دینه هائی از مردم
سوء استفاده شده و این بسیج " زهر عنوان گاروانها
و تریز " آغاز شده است. رژیم خمینی علیرغم
تغایر و تعدد بیجاده حادهای ایران و عراق و
اثرات عمومی بیجانان علیرغم اختراش فرزند شده
سوده های مردم علیه این جنگ جانمان برانداز و
فرساینده و علیرغم اسهارات سرخ صرف متعاند
سم بشر بر آمادگی برای انعقاد یک صلح شراب
متعاندانه، ثمانان برضیل توسالی جنگی می گوید و
گورستانها را روز به روز از اجساد فرزندان بیگناه
این جنایت " آبادتر " می کند. معین گفته که این
جنگ برای رژیم مخلوق به زوال جمهوری اسلامی
" رحمت " است و منظورشان نیز دقیقا آنست که
می تواند در پناه این جنگ و پوشش دروغین
" دفاع مقدس " مشکلات لاینحل و بحرانی عمیق
حکومت را تنفیذ دهد و توبه مردم را از مسائل
واقعی کشور منحرف نماید .

این صدا بانگ رسائی کیست و در خدمت چه اهدافی قرار گرفته است؟

په ناآگاهانه و یا بعثت کشتنهاد معرفتی، این
موجمی را گرفته باشند، عمده یکی از این سه
چریک خدمت می کنند .
این سه چریک با متحمات سود به قرار زیر است
۱- برهان ارت باعی حاکم، معتقد به ودیت فقیه
و در راس آن خمینی که معنا در راس هریم روحانیت
ودیت فقیه نیز هست. خمینی و چریک او از قصد
به قدرت رسیدن هرزومی رادیلوک خانگیست
داشتند. اینان با حذف جناحهای سریت از یک
صرف و بالا گرفتن مبارزه نیروهای انقلاب برود
ها مردم از مردم دیگر بندگان نمود را از
سود داده و دامنه مالوشمار هر چه محدودتر
شد. این گروه بر بیانات و اجزایی که تانسون
حائیت ایرانی و ملی و " از خود رانده است به
تزیین میارند از:
سبایر، مدنی (از بیمه منی) بازگان و شریک
(از تهر آزادی) بنی صدر میریاب حبیبیه،
بقیه در صفحه ۲

شرایط بفرنج و پیچیده ای که مبارزه انقلابی
مردم ایران بر بستر آن رشد می کند، معسون
و خصلت این جنبش بزرگ و پتانسیل قابل توجیهی
که در روند تکاملش در خود ذخیره می کنند،
عصب بندی های موجود را تسریح می کند. انهدم
۲۲ بهمن با سرنگونی رژیم سلطنتی، جنبش
انقلابی مردم ایران را در صیرری قرار داده که
بازگشت به سلطنت را در هر شکل آن، حداقل
در چشم اندازهای مایل ارزیابی غیر ممکن ساخته
است. از اینرو سرنوشت بیشتر اندیدی مردم ایران
در مبارزه و حرکت سه چریک، که در عین حال سه
صف بندی اصل درون جامعه است، تعیین خواهد
شد. این سه چریک هر یک مشخصات خاص
خود را دارد. نیروهائی که در این سه صف و ک
رسم قرار نگرفته اند، در سایه روشن های این
سه چریک و یا در بین آنها سرگردانند .
نیروهای سرگردان، چه بخواهند و چه نخواهند
چه آگاهانه و از رود منافع علی و ص بقای منفسر

محکومیت رژیم در مجمع عمومی سازمان ملل متحد

صی پند سال گذشته فعالیتهای گسترده ای از
صرف - وای ملی مقاومت در رابطه با تفسر حقوق
بسر در ایران صورت گرفته است. همچنین سازمان
مبامدین خلق ایران تا بحال پندین بار اسناد
کنی و زنده می بر بود تشبه های و حیسانه
اندامهای محفیانه و ۰۰۰ به مجامع بین المللی
ارائه داده است. بدوری که امروزه در افکار
عمومی جهان رژیم خمینی کاملاً افشا و مظهر شده
است. در ادامه این فعالیتها، مجمع عمومی
بقیه در صفحه ۶

انتخاب منتظری و تعمیق تضادهای رژیم

مبیس حبرگان که جهت تعیین بانسی می
تشکیل شده بود، سرانجام بعد از مدتها
کشمکش و اختلاف، بدستور خمینی ولیعهدی
منتظری را تصویب نمود .
الذیته اینکه منتظری را بعنوان جانشین مشخص
خواهند کرد، بهتر بینی می شد. زیرا که از مدتها
پیش تبلیغات در این زمینه از طرف رفسنجانی
و هواداران آن انجام می شد .
اینکه در زمان خمینی چنین جانشینی صورت
می گیرد، نشانه ای بر بحران سیاسی رژیم و
ناتوانی بیشتر در حل آن می باشد. وظیفه مجلس
بقیه در صفحه ۹

در این شماره:
ترجمه و مقاله از نشریه بریگاد انترناسیونال
معتد نامه بین المللی جنبه آزاد پیختر
سازند نیست

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

این صدا ...

بعینه از صفحه ۱

خراب تود و ...

مشخصه اصلی رژیم خمینی بمشابه رژیم حاکم، جنگ و اختناق است. مضمون ارتجاعی حاکمیت، آسردار موقعیت دشمن عدو مردم ایران در شرایط ثنونی قرارداد است.

تضاد بین تود و های مردم پارزیم خمینی به مشابه تضاد عدو جامعه، تمام تمامهای دیگر جامعه را تحت الشعاع قرارداد و بنیشر انقلابی بدین حل این تضاد، قادر به پیچودن مسیر تکاملی خود نیست. تحقق استقلال، آزادی، صلح، برابری عدالت اجتماعی و ترقی اجتماعی، مستلزم سرنگونی این رژیم ارتجاعی به شیوه انقلابی است. هر حرکت و اقدام نیروهای سیاسی را رابعد با حل این تضاد شنید می شود.

بدین ترتیب که با حرکت فوق یا بنیه مردم را علیه خمینی تقویت و یا تضعیف می کند و یا بنیه خمینی علیه مردم را.

۲- جریان اپوزیسیون انقلابی که شورا ملی مقاومت تجلی آن است و بر محور این شورا سازمان میاهدین خلق ایران قرار گرفته است.

این سازمان با خصلت انقلابی و دموکراتیک خود و نیز به مشابه سازمان مسلمانان انقلابی بهترین بستر ای در جنبش انقلابی مردم ایران دارد.

وجود این سازمان در محور این شورا بمشابه یک انقلاب سیاسی، خصلت انقلابی شورا را هر چه بیشتر برجسته می کند. این انقلاب سیاسی که

مجموعه ای از گرایشهای سیاسی-ایدئولوژیک مختلف را در بر گرفته است، سعیانی از جامعه آینده بعد از خمینی را بطور نسبی ترسیم می کند.

مسلمانان انقلابی، ناسیونالیستهای ترقیخواه، و کمونیستهای انقلابی در این شورا نشان داده اند که تشکیل جنبه خلق بمشابه یکی از آرمانهای دیرینه

مردم ایران قابل تحقق است. این شورا هدف خود را سرنگونی رژیم خمینی، استقرار صلح و آزادی و انتقال قدرت به مردم قرار داده است. اصولی

نه تنها مشخصه این شورا، ضامن جهت انقلابی آنرا نیز نشان می دهد، اعتقاد به انقلاب و مبارزه برای تحقق آن از طریق قیام مسلحانه

تود و از برای سرنگونی ولایت رژیم خمینی است. رمز پیشرفت شورا آنست که هیچ نوع ضدیت نمی توانسته است این پدیده را درهم شکند و نیز

سرف و ناموس و حیثیت انقلابی شورا در مبارزه مسلحانه برای تحقق قیام تود و ایست ناآنجانه به سازمان مبدعین خلق مربوط است. درست به

ذلت اتکا به این اصل و با فشاری روی قیام مسلحانه تود و ایست که علیرغم بی سابقه ترین عدو

یت ها می که از بنوایب مختلف با آن می شود همچنان استوار و سرسخت بر سر اصول مبارزه اعلام می ایستاده و درهم شکسته نشده است.

در واقع در تاریخ مبارزه مردم ایران سابقه نداشته است که سازمانی علیرغم پرداختن این چنین بهای گزافی در مبارزه، تا این حد مورد حمایت با جوانان

دانه و ریزانه قرار گرفته باشد و با این وجود همچنان پیکر بیرون در رابعد با ولایت شورا بایستد

گفت که پایدار بر سر فوق میبماند تا تعیین های لازم را برای تحقق استقلال و آزادی و بعوان آرمانهای دیرینه خلق سمی دهد و محروم ایران بوجود آورد.

۳- جریان اپوزیسیون اپوزیونیستی در این جریان صف گوناگونی قرار گرفته اند که هر اندازه مخالف رژیم ولایت خمینی باشند،

پسند ان مخالف مبارزه مسلحانه اند و بر هفتاد و نه نیروهای متدله این صف از میان درویش

آزاد یحوا می و به اندک مخالفتی نوانیتنا-رسم، مدافعین استخاره در روش رژیم گرفته است.

نیروهای اپوزیونیست و حیانتدار امارت حزب توده توده و جریان موسوم به اکثریت، نیروهای مخالف

مبارزه مسلحانه تحت عنوان بلوگیری از گسترش "تروریسم" و "جنگ داخلی"، و نیروهای اپوزیونیست که مدعی مارکسیسم بوده و شوریهایی

راست خود را در زورق چپ پیچیده اند و لسی همواره علیه مبارزه مسلحانه انقلابی تحت عناوین

"جدا از تود و"، "بلا تکیسم" و "لبین پراکسی کرده اند. تا آنجا که به ادعا و حرف و نوشته مربوط است این گروه رنگارنگ در مجموع همه چیزها شورا دارند که هیچکس ندارد. "ملر" گرایانی که همواره سر برآستان غرب فرود آورده اند، حال

مدعی "وطن خواهی"، "آزادینخواهی" می شوند. اپوزیونیستهای که قانون اساسی جمهوری اسلامی

را یک سند مرفعی اعلام کرده بودند و خمینی را یک رهبر ضد امپریالیست خوانده بودند، اکنون مدعی مبارزه علیه "ارتجاع و امپریالیسم" می شوند

و از مباحثین خلق، ضحیکار می شوند. سنانیکه هیچ فرصتی را برای ابراز دیکتاتوری و یا ستایش از دیکتاتورها از دست نداده اند، مدعی مبارزه

علیه "نولیالیسم" میشوند، آنان که اساسا بقدر نجات مردم ایران نیستند، حال برای جلوگیری

از خونریزی در تلاتر برای استعمال رژیم و تغییرات تدریجی هستند و این اقدام خائفانه خود را با ادعای نجات "کشور" و جلوگیری از

"بگ داخلی" تزیین می کنند، آنان که در حقیقت از انقلابی و عقل و اعراب عیبند، مدعی مبارزه علیه رژیم "جمهوری اسلامی" می شوند و

سعار مرگ بر خمینی را در مبارزه ناکافی می دانند. اینان که صیغ مرستی را برادر ضربه زدن به مبارزه

مسلحانه تحت عنوان "مبارزه با ناپلگیری خرد" بورژوازی "از دست نمی دهند، مدعی می شوند که در آینده "انقلابی" را رهبری خواهند کرد که گرچه

اکنون موفق دست زدن بدان هنوز فرا نرسیده، اما اگر روزی فرا رسد، با چند "فرمان" همه مشکلات را حل خواهند کرد. البته در فقدان تعادل و مبارزه

مرگ و زندگی دسته اول و دوم، برهان سوم می تواند هر ادعای را با هر قدر رنگ آمیزی می تواند

مسلم با بزند، ولی خود واقعیت تاریخی تحریف ثنونی کار این جهان را سخت دچار تنگنا نموده است

بصورت مثال اینان همواره و به نهایت ضاهرا متدلف الترناتیو شورا را مورد حمیت قرارداد. اندک ایسر

چنین و آنچنان است. شورا نیز همواره گفته است که هیچ نیروی برای بلوگیری از اقدام نیروهای دیگر

در جهت ساختن الترناتیوهای مورد نظر خود و مبارزه بندی در راه به ترس نشانند آن ندارند و تمام

نیروهایتر صرف مبارزه پارزیم خمینی میشود. اما گروه اخیر طی این مدت نه فقط کوچکترین قدمی در راه نزدیک شدن به هدیکر برداشته اند، بلکه

بجز مواردی از قبیل جلسات شورا، اکسیژن سازی افشاکری علیه رژیم خمینی، و امثالهم که مقتضای موردی مشخص اتحاد عمل دارند (البته علیه جنبه انقلابی)، بطور مستمر از هم دور شده اند.

رهبری طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

... این صدا

طبعاً این یک روند خود بخودی نیست، این روند قانونمند است و قانون آن در تعادل مدت یا بلند و ریزم و شراست. رسوائی این گروه بهائی کشیده که می گوید شورا و مباحثین مانع اقدامات "وحدت" گرایانه دیگران هستند. اگر مبارزه سیاسی مباحثین با نیروهای رفرمیست و استحاله گرو اپورتونیست، اینها را متلاشی و از هم دور می کند و اگر مبارزه سیاسی تمام جریانهای گروه سوم، مبارزه مسلحانه افکار و نیروهای مقاومت را علیه خمینی تضعیف نکرده و نتواند آنجا که به مباحثین خلق مربوط می شود، فعالیت هم کرده است. این خود دلیلی بر اینست که هر چه در تعامل مبارزه خلق علیه ضد خلق، بر مبارزه مسلحانه انقلاب پر رشد می کند، و بنا بر این نیروهای که نسبت به این امر بی تفاوت، مخالف و یا دشمن هستند ابقا و الزاماً تضعیف می شوند و نیروها نیز که بر این پستتر هستند روزی به رشد خواهند کرد. این قانون، در مورد حرکت جریان سوم بطور مداوم عمل می کند. صعباً نتیجه عملی حرکات نیروهای جریان سوم که بنحو و از زاویه ای و معنا هر یک به میزانی، مبارزه انقلابی و انقلاب را تضعیف و بدان ضربه زده و بنا بر این تا این حد و به همین اندازه به رژیم خمینی خدمت کرده است.

اکنون بر پایه آنچه در یاد گفتیم می توانیم به این سوال پاسخ دهیم که سخن پراکنش افلیت یعنی در خدمت چیست؟

افلیت مدعی است که یک صف بلند و مستقل تشکیل داده و بنا بر این یک الترانیو "پرولتر" است. هر کس که روند حرکت چند ساله اخیر افلیت را بررسی کرده باشد بخوبی قادر است که باین ادعا را ثابت کند. کافایت خوانندگان به سه سند که طی حیات چندین ساله اخیر از صف اقلیت منتشر شده مراجعه نمایند. این سه سند عبارتند از: فدائیان خلق چه می گویند (آذر ۵۹)، برنامه عمل (اسفند ۶۰) و صرح برنامه اقلیت (تیسر ۶۳) بررسی این سه سند نشان می دهد که رهبری سخته رست افلیت هر چه بیشتر بسخت منصب سکتا رست - آنا رستوی نوله نزدیک شده است.

سختارستهای اقلیت در شرایط سال ۵۶ بعفلت اینده هم یکه از سازمان نیو ده و هم سرایه اجازه نعدان، جعد اسولوی نزدیکتر از صف سختارست دور تر بودند. در برنامه عمل یک تعداد ر بیس نعد اسولوی و صف سختارستی وجود داشت.

در حالینه در "صرح برنامه اقلیت" نزدیک به نوله بندت نمایان است. نته بآلب ایند است نه بهمانگونه که رهبر خائن جریان موسوم به اشتی در هر گامی که بسور حزب نوده پیش میرود برای پنهان کردن حرکت مؤدیانه و شانسانه خود بشکل بسیار ساده حر سرب نوده را مورد صعدس و نعد قرار می داد، اکنون نیز رهبر سخته رست افلیت معنی نیز در سر گام نزدیکتر به نوله مجموعه از از نقد هار بدون محتوا، مصحسی و نامشخص از حرکت و دیدگاه هار نوله منسر می کند نوله نیز مانند حزب نوده یا سناخ این حرکت از هر نزدیک افلیت بنود، پغانی ساخته و بر سر افلیت می زند که پرا نا پیکری می نند و ۰۰۰۰

همان تارز که بیانور با اشتی می زند تا سرایام آنان را بچهره ظاهر بد - نمود.

نایست صرح برنامه افلیت را بنا بر برنامه حزب به اسفند ۶۰ موصیحت نوله بهایسه نند تا میزان این نزدیک را مصادف می نند. بنا بر این اوه افلیت فاقد یک موع مستقل در جنبه ایرانست و در تانی و فتر خود افلیت امرام میند که خط مسر نوله در خدمت اهداف بورژوائیست بنا بر این خود افلیت هیچگاه در این تعبیراتی که در برنامه خود داده نسبت به گذشته بر سرورد با خود نکرده و آنگونه وانمود کرده که کونی هیچ تعبیری در دیدگاهها و برنامه اثر بویود نیامده است، این شیوه ماست مانی کردن مصاحبه های گذشته، در افلیت بصورت یک متد دائمی در آمده است. البته این شیوه برای رهبری سخته رست افلیت که هیچگاه نتوانسته نسبت به مسائل بیشتر برخورد انقلابی داشته باشد، ممکن است منافی داشته باشد. ولی بر اساس منطوری نین، این شیوه افلیت یک شیوه ناملا ضد نینی است. نین در این رابطه می گوید:

"روش سیاسی حزب سیاسی نسبت به استیاب هات خود یکی از مهمترین و صحیح ترین معیارهای جد بود، حزب و اجرای جدی وظایف وی نسبت به طبعه خبشر و نوده های زحمتکش است. اعتراف

آسکار به اشتباه، کشف ملل آن، تجزیه و تحلیل - اوضاع و احوالی که موجب این اشتباه شده است، بحث و مداوله دقیق در اصراف و مسائل رف اشتباه اینست علامت یک حزب جدی، اینست اجسرای وظایفی که وی بر عهده دارد، اینست تربیت و تعلیم صبقه و سپر نوده ها" (نین - تاکید از نین است)

حال اگر اقلیت معتقد است که "استیابها" در برنامه عمل از "بینه" و "مجلس موسسان" و "عملیات مسلحانه" دفاع کرده است، اکنون که در طرح و برنامه اثر این موارد را کنار گذاشته با این "استیابها" خود چه برخورد می کند؟ رهبری سخته رست افلیت هیچگاه بسمارت برخورد بند با خود را ندارد. از اینروست که هیچگاه بصورت جدی و مسئولانه به مواجعی ۵ اتحاد می کند، نمی اندیدد سخن پراکنشهای رادیوی افلیت - نمونه کامل این برخورد های اپورتونیستی و غیر مشوده است. همانطور که در زیر خواهیم دید، این سخن پراکنشها نه مرهاد رسای کار - گران و زحمتکشان بلکه آب زشتی است که به آسیاب ارتیاع است. اگر برنامه افلیت طی دو ماه (از نیمه مرداد تا نیمه مهر) که گزارش آن اکنون در جلو د می است، مورد توبیه قرار بگیرد خواهیم دید حیم برنامه هائی که بطور مشخص علیه شورا و مباحثین است، بسیار بیشتر از برنامه هائی است که علیه نیم ارتیاع را مورد حمله مراد داده است. در این مدت افلیت ۹ برنامه (که بعضی از آنها صوتی و دنباله دار است) علیه الترانیو د موکراتیست در روز های ۱۸ مرداد، اول، دوم، پنجم، هشتم، نازدهم، بیست و دوم شهریور و پنجم و دوازدهم مهر اجرا کرده است. یکی از نانی که افلیت به شکلی مزورانه در برنامه های خود تبلیغ می کند اینست که گپا شورای ملی مقاومت معتقد به استیاب له رژیم خمینی است. در برنامه روزهای اول و دوم شهریور افلیت که در نقد سده "جنگ ایران و عراق" شرایط بین المللی و مواضع چریکهای مختلف اپوزیسیون" مندرج در نشریه شورا، پختر شده است، افلیت چابجا این ادعای شیخانه خود را تکرار می کند. در برنامه روز ۲۲ شهریور، این ادعا را بشکل روشن اعلام می کند و می گوید:

شورای ملی مقاومت نیز از ابتدا هیچ چیز بسز

پوتوان باد جنبش طبقه کارگر پشاز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

اخبار کوتاه

حارجی

روز پانزدهم ۱۰ نوامبر رتعم سه رهای بزرگ اسپانیا مانند مادرید - بارسلون و والنسیا - سویا - بلبانو و تظاهرات بزرگی به دعوت نیروهای صرخی آنها برگزار شده هدف آن بیرون رفتن فوری اسپانیای پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بود و همچنین ایجاد فوری فراند (نهاد دولت - سوسیالیست اسپانیا از بد و به قدرت رسیدن هول داده بود که برای ماندن یا بیرون رفتن از سانسو دست به یک فراند خود زدند) در این تظاهرات قریب به صد هزار نفر در تمام اسپانیا با شعارهای "بیرون از ناتو" ایجاد فوری فراند " شرکت کردند

داخلی

وزیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، محسن رفیق دوست در روز اعلام کرده ۵۷٪ درمیدار نیروهای ایرانی که در حمله فوریه سال پیش بر علیه جنوب عراق شرکت کردند، مسئول اردن و آمریکایی بودند. (خبرگزاری روجر)

به دعوت نائون دموکراتیک ایرانیان (مواد ارسواری ملی مقاومت) در شهر کویتهرگ سوئد در تاریخ جمعه ۲۰ دسامبر جاری جلسه ای با شرکت مواداران شورای ملی مقاومت و تعدادی از معوضان علامه مند برگزار گردید. در این گرد معایی نماینده شورای ملی مقاومت در سوئد در مورد دیرماسر شورا سخنانی ایراد کرد. بعد از سخنرانی نماینده شورا یکی از مواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (پیرو برنامه هویت) درباره وضعیت گروههای سیاسی ایرانی و جایگاه آنها و موضوع "سخنرانی ایراد نموده که مورد توجه شرکت کنندگان در جلسه قرار گرفت. بعد از سخنرانی برنامه پرسش و پاسخ صورت گرفت. و سه سوالات مطروحه از طرف شرکت کنندگان پاسخ داده شد.

توضیح: این خبر، نقل قولی از صاحب شمشیرتیشی شرکت مالعو با روزنامه اکسپرس در سوئد که در اکثر روزنامه های سوئد چاپ رسیده است. ما

بخشی از آنرا در زیر می آوریم.

(شمیت ز) تعریف می کند که از مرداد ماه سال گذشته، هر ماه ۲۰۰ تن مواد متعبره به ایسران فرستاده است. و آن معطیو از ارسالر هاشی می باشد که از شرکت نوبل شیمی می آید. شرکتی بنام (استاندیناویان لومودیدتی) تا ۹۰٪ با ایران تجارت دارد. شرکت مزبور یک دفتری بسا ۱۲ فارم در تهران دارد.

آن موقع که شرکت مالعو (سال میل) می خواست ۱۰۰ میلیون لرون از ایران نفت بخرد، تولیدات مواد منفجره را شروع کرد. با وزیر دفاع ایسران ارتباط برقرار کرده و توضیح داد که آنها مواد متعبره و ظرف (روبه) فشنگ و دیگر مواد متعبره برای عوض با نفت می خواهند.

مطبوعات خارجی ... بجه از صفحه ایاد - مننده که در سات مند و امرانیم بدیر - ۱۳۰ مزارتن تسلیحات نظامی به "پواتوناسیا" رسیدند. و در مند و اسر اینگونه سایدات - بنگ علیایه چون "پواتوناسیا" وده از سال ۱۸۸۲ در سات انبام "سلسل" با وجود سیاست نامسیر و غیر روش و مانورهای تبلیغاتی صنعتی - نیار - کوزه آمادگی جهت راهبرای ادامه پروژه صادرات ونس با گروه "کنادوا" و مشعر ساختن هرچه روسر پایه های سرورز صلح بدون هیچ ابهامی در آمریکای مرکزی اعلامی دارد. اما باید نامسلس متعبر و روشن باشد، که تا زمانی که ایسات متحده از اعضای یت قرارداد منحصرا (نشرت) سر باز زند و متعبره به پایان بنسیدن سیاست خصما نه اثر نشود، نیارگونه حتی یک تنگ نیز نتوسر لسو نخواهد داد. و شبریه نیز به اعلا ب مرد می ساند نیست ثابت کرده است که هرگاه دولت یگان لحن تبلیغاتی اثر را بر علیه ما شدید تر کرده و ما را منسرم به ترورست و چیزهای سوا - مفریانه دیگری از این دست نموده است، همیشه منجر به سسمانه تر شدن سیاست شما میسر علیه ما شده است.

- زیر نهی:
- (۱) حبیبه دموکراتیک نیارگونه (متشدر از ضد اغلا بیرون و ژنرالهای وابسته به رژیم سوموزا)
- (۲) شهری در هند و اسر



با کمال دباغی عضو کمیته مرکزی و کساک طه حق طلب عضو مشاور کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران در کرمانشاه و تهران اعدام شده اند. (به نقل از بولتن جبری حزب دموکرات کردستان ایران تشکیلات اروپا)

مزدوران رژیم خمینی میناهد شهید کیومرث حسینی را در میدان شهر مردودشت بدار زدند. این عمل موجبی از خشم و نفرت رادزمیان مردم پسر - انگیزت. (به نقل از نشریه میناهد شماره ۲۶۹)

در ۲۰ آبانماه میناهد خلق پرهیز فیضی در زیر ششجبه های وحشیانه مزدوران در زندان اوین به شهادت رسیده است. در نیمه اول شهریور ماه گذشته میناهد خلق مهوری اورک در زیر ششجبه به شهادت رسیده است. میناهد خلق پرهیز حسین نیاد ر تاریخ اول شهر - یور ماه و میناهد شهید جواد شراب پوری در زندان اوین شهیدان شده اند.

در اوایل آبانماه سال جاری میناهد خلق صادق صه هماسی در زندان گوهردشت کرج اعدام شده است. (به نقل از نشریه میناهد شماره ۲۷۰)

در تاریخ ۱۲ آذر ماه جاری ۷۰ نفر در زندان اوین بطور مخفیانه اعدام شده اند. در ۱۷ آذر ماه میناهد خلق سعید مزجی در شاهرود در زیر ششجبه به شهادت رسیده است. در تاریخ ۲۸ مهرماه گذشته میناهد خلق محسن رحیمی بدست ذرخیمان خمینی در تهران به شهادت رسیده است.

در اوایل آذر ماه جاری میناهد خلق بابک ایزدی - یار در زندان اوین به شهادت رسیده است. در هفته اول آذر ماه یکی از میناهدین خلق در زندان بیروجر بدست ذرخیمان خمیند به شهادت رسیده است.

(به نقل از نشریه میناهد شماره ۲۷۱)

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

نیکاراگوئه

مطبوعات خارجی

صداهایی که پیامهای نگران کننده ای دارند

توضیح: نشریه پارکاد انترناسیونال، معنی نامه بین العلی بجهه آزاد پیچتر ملر ساندینیست است. دو مطلب زیر از این نشریه می باشد که توسط رفقای مواد از سازمان ترجمه شده است.

کوشش اجتماعی برای بقا

پول و تسلیحاتی که تند انقلاب وابسته بهه سیا (CIA) آمریکا که صول ۴ سال دریافت کرده است، چیزی بیشتر از مداری است که دولت آمریکا در صول تقریباً ۵۰ سال به "کارد ملی" سوموزا کمک می کرده.

تجاوز آمریکا همان صوره همه می دانیم باحال موجب خسارات جانی و مالی فراوانی گشته است، بیشتر از دهها هزار کشته، معذول، کزگان گرفته شده، در حدود هفت هزاریتیم و بیشتر از هزار وسیله میلیون دلار خسارات مادی هم آمد این تجاوز می باشند. این تجاوز مانع از به جمعیت پیوستن و اجرای برنامه های رشد اقتصادی و اجتماعی برنامه ریزی شده توسط انقلابیون گشته و هم چنین موجب افراطیتر بیس وادی نیز گشته است. اولین حرکت بزرگ، بعد از رنگونی رژیم دیکتاتور سوموزا، رفتن هزاران جوان بسوی ما صودور افتاده به منظور ریشه کن کردن بیس وادی و در بر دادن به بیشتر از نیمی از جمعیت نیکاراگوئه (که اکثریت آن شامل بزرگسالان می شد) بود. ولی جنگ مانع از تداوم این کوشش عظیم و زیبا شده است. این مثال فقط نشاندهنده گوشه نوپسکی از چگونگی منافیزمی است که سیاست ایالات متحده موجب گداشتن تاثیر منفی بر روی زندگی اقتصادی اجتماعی سه میلیون نیکاراگوایی گشته است.

در حال حاضر حرکتی دیگر در حال شروع است، هزاران دانش آموز و محقق در حواصصت کرده اند تا جهت برداشت محصول قهوه به مناطق شمالی نیکاراگوئه بروند. در نیکاراگوئه قهوه اصلی ترین محصولی است که به خارج صادر می شود. مشکل شدن دهقانان برای دفاع از میهن از یکطرف و تبدیل کارگران روزمزد سابق به مالکان جدید از طریق اصلاحات ارضی از طرف دیگر موجب نبود بهره ایمنانی کافی برای برداشتن محصول قهوه شده اند. همه ما می دانیم که فروش قهوه در خارج، از چه اهمیت بسزائی برای کشور پرشور دار می باشد، از این جهت است که

دولت نیکاراگوئه طرح اصلاح اخیر گروه "شناد وازا" رد کرده است. از این رو، آژانسهای چریکی بین العلی در مورد موسس رفسر نیکاراگوئه در باره دو موضوع اساسی طرح خبر دادند. خلق سلاح و مانورهای نظامی. در توضیح این موضوع، هرزیدنت دانیل - اورنگا بر روی یک نشانه سرورز در این بحث با صافاری ورزید. نیکاراگوئه یک خلق سلاح یت صرفه را، در زمانی که دولت ایالات متحده بر سیاست شمعان و خوشتر پایان نیند و تصور رفسر در یت پروتکل حمیمه بر

عرج در نور خلق معسهد به انعام سیاست بنسنگ اورزانه اثر نکرده، همور سواوه کرد. این انعامی بود، که تمام آژانسهای چریکی به این مونس اهمیت بسیار دادند. وانگنر بر اساس امرایان شمشیرهای منفذ آن، هر قدر حاصل

عام شادری که از مناصب و سهرز به آنها رفته اند و همچنین شادری که بصورت دانشی در آن مناصب زندگی می کنند، در سه ماه در سراسری بسیار بد همراه با اعمال جمله نیروهای مزدور زندگی خواهند کرد. این دو وجهین به شخصه حسر خواهند کرد که یت دهقان، بیگانه زندگی میکنند و مناصب و نه در سادهای قبل اتفاق افتاده بود باعث بویود آمدن یت همبستگی عظیم در بین سهر و روستا خواهند شد که موجب بهتر شدن جمعیت روستائیان و عبقرت شدن در دیگران خواهد شد.

امسال محصول در مناصب برداشت خواهد شد که در سال ۱۹۸۴ بعدت حشور نیرومسانی مزدور امکان پذیر نبود. این نیروها (مزدوران) بعد از حمله نیکاراگوئه به آنها، فرار را بر قرار ترجیح دادند، عده ای از آنها به هترواس گریختند و عده ای دیگر به مناطق کوهستانی روی آوردند که تحت تعقیب می باشند. وظیفه ملی، نابودی کامل نیروهای مزدور است و برای آن تمام خلق به حرکت درآمده. دولت ایالات متحده به ما تجاوز می کند تا از دستهایی چیهه ساندینیست به هدف و برنامه تاریخی اش بلوگری بعمل آورد، تا دولت را منزوی گرداند و از دوستانش دور کند. خلق نیکاراگوئه برای دفاع و حفظ دست آورد های انقلاب بها خواسته است، و صلاح همچنان شعار و خواست ملی می باشد.

مسئله بشیوه تمامی می باشد، امتز در می شوند که در این بین معسر نیکاراگوئه می باشد که استمرار طرح در منصفه را "با مشکل روبرو ساخته است". فقط کافی است، مروری بر فعالیت های نیکاراگوئه تا این در ماه نوامبر داشته باشیم، از این صریق می توان درت نمود که در واقع ایالات متحده سرفا، معسده می خواهد از "شناد وازا" برای بدست آوردن زمان بیشتر به منظور پانداختن مداخلمه تمامی در افکار عمومی بین العلی استفاده نماید. هرزیدنت ریگان، شصتاد این زمان (نوامبر) مصرح کرد که حمایتش از چیزیگنه "نیروهای دموکراتیک مقاومت" می نامد، یعنی از سرورسشهای FDN (۱) تا زمانی که دولت ساندینیست با آنها به مذاکره نشینند، معص نخواهد شد، به عبارت دیگر یعنی تا وقتی (دولت ساندینیست) تسلیم نشود، در صی ماه نوامبر تا ح سفید و باره دست به منتج نمودن و معیت با استفاده از سارزار تبلیغاتی خوشتر برای توجیه سیاستهای خصمانه اثر علیه انقلاب مردمی ساندینیست زد، و مدتی حاوی ۱۲۳ صفحه از طرف سفیر آمریکا "ورنون والتر" منتشر نه بارها وابستگی اتر به FDN و تبارش از خصوصیتش در این رابطه مورد بحث بوده. به سازمان ملل تحشور داده شد که بر اساس آن نیکاراگوئه متهم به انبام "سیاست زورگوانه دقیق و لبام گسیحه علیه همسایگان نثر" شده است، از این رو، "فشار بر علیه رژیم ساندینیست یت توسطه باز دارند. علیه رشد این کشور در یت فضای صلح آمیز نیست، بلکه جوابی است جمعی به سیاستهای خصمانه و زورمداران نه این کشور (نیکاراگوئه)!! انعشار شیندن

این اخبار در آمریکای مرکزی طول پندانی نکشیدند. فردای تحویل این نوشته (مدرک ۱۲۳ صفحه ای) دولت هند وراس دست به یک کارزار تبلیغاتی علیه نیکاراگوئه، تا به دندان مسلح زد! همسایگان ما از بابت ۱۵ هزار تن تسلیحاتی که به گفته آنها نیکاراگوئه در صی شش سال اخیر دریافت کرده است، تاسف خوردند. نیکاراگوئه عاده به دادن اینگونه اطلاعات در مورد مسائل دفاعی حشور ندارد. اگر چه دارای این حق و حتی اجبار برای دفاع از استقلال خویش می باشد. اما خیلی جالب است که یاد آور شهم که فقط برای انبام مانور نظامی "کابانیاس ۸۰" در ژوئیه، بسویله بجهه در صفحه ۴

این صدا...

بعده از صفحه ۳

انترناتیو استفاده رژیم جمهوری اسلامی و تغییرات
سوسی و طاهری جامعه را مد نظر نداشته و برای
جدا کردن خود از یازگان استخاله را از سرنگونی
بدای می کنند تا نشان دهند که استخاله یک
چیز است و سرنگونی چیز دیگری است.

افلیت با اعلام طرح این انقلاب می خواستند
بگوید که سرنگونی و استخاله دو چیز نیست، این
چیز است. البته این ادعا که از دستوری یک
ادعای محمل و از نظر علمی نیز یک سرپیچی
اپورتیسم و بی عدلی است ممکن است برای
افلیت با انواع و اقسام تحریفات کار ساز باشد.

اما هر کس که به تئوری علم انقلاب پایبند
باشد می داند که بین سرنگونی مهر آفرینیم
حاکم از قیام مسلحانه مردمی (که سورایدان

معتقد و بدان عمل می کنند) و استفاده رژیم
دره عظیمی وجود دارد در شرایط مشخصی
معه ما با خون، گوشت و پوست دهنها هزار

انقلابی جان بر کف می شود. امنیت ایسر
ادعای مسخره را با چنان آب و تاب و صد رولبری
یافتن ها بیان می کند که تنها می تواند

مانده ترین ادهان را در میان پیروان افلیت فعلی
ارضا کند و دیگران چیزی جز پوزخند تحقیر
آنان نخواهند داد. و تازه این ادعای افلیت

نیز تازه گری ندارد. جهان کومه خیلی پشتر این
ادعا را اعلام نموده بود. سال گذشته حزب بود
ندیستی کومه در شماره ۱۷ پیاپی ۲۷/۱۲/۶۳

ارگان مرکزی خود که بر آن نام گومنیست نهاد داشت
در مقاله "چپ شدن شورای ملی مقاومت یازد و
بند های جدید؟" اعلام نموده "ولر مگر خود

شورا بخاص چیزی جز "استخاله" رژیم
جمهوری اسلامی پدید آمده است؟ آیا این بدان
علت نیست که مضمون برنامه شورا همان "استخاله

رژیم" است. و اکنون افلیت این تئوری با فی های پوچ را تکرار
می کند و این ادعای کهنه شده را با رنگ و لعاب
جدید تکرار می کند. معنی می شود که مباحثین

و شورا خواهان در هم شکستن رژیم کنونی و ابرارها
سرنگونی آن نیستند. ببال است کسی این حرف
را می زند که تمام رهبران سکتاریست خود را نیز به

همین اتهام مورد حمله فرامی دهند و معلوم

نیست اگر مبارزه مسلحانه انقلابی و مقاومت
مهرمانانه موجب در عدد سرنگونی مهر آفرینیم
در هم شکستن تمام ابزارها و نهادها سرنگونی

آن نیست، چه سر مستور این کار است، اگر
این ادعای دروغین افلیت یک تیرنگ سیاسی نیست،
چه چیز دیگری است؟ پس بهیچ نیست که بیه چیز

معله اینان نه متوجه استخاله گران واقعی، بلکه
متوجه سورا و مباحثین است. افلیت تمام مبارزه
شکوفند دوران ساز این دو جریان را با جریان

استخاله گران می کند و آب تصویر سراسر استخاله
گران واقعی می ریزد. وقتی افلیت می خواهد سورا
و مباحثین را به جرم مبارزه مسلحانه انقلابی

و به جرم ناتمام کردن استخاله گران، رسد و اوشتی
تعاید معلوم می شود که بیه نیز حمله اثر متوجه
جریان انقلابی است. منتها مثل گذشته نمی تواند

جمهوری طرح بیان کند که به نقی به کس و پس
برسانی این اقدام را انجام می دهند.

وقتی معاندان واهی به استفاده رژیم جریان ما
را تحقیر می کنند و مباحثین با استخاله و سر
افلیت استخاله گران و معاند تمام جیمها را

شود را بر سر سرنگونی مهر آفرین می فرود
می آورد و وقتی معیر جریان (سورا و مباحثین)
علیه استفاده گران و سیاستهای خانانها

مبارزه می کنند، معلوم می شود چغالی نه از صرف
افلیت بلند می شود و عدالتی که بدنیال آن پشتر
می شود در خدمت نیست؟ دولت زیر روش میزند

که فریاد "رئای" افلیت، فریاد است که مد او سیار
جمهوری اسلامی از آن بسیار خشنود است زیرا
مردود در عمل یک هدف را دنبال می کنند.

اود - افلیت جریان اصلی استخاله گرو فرمیست
را از زیر ضرب خارج کرده و پنبای آن جریان
سورایی را که هم علیه رژیم می بشکوهیم بسایند

حرکات مذبحخانه جریان استخاله گران حشسی
کند مورد حمله کین تروانه فرامی دهد. صعبا
جریان استخاله گران این حرکت ناملا سود خواهد

برد و خدمات افلیت آنان را بی نصیب نمی کند. اما
از صرف دیگر باید توبه داشته باشیم که حدود
جریان فرمیست فاقد چشم انداز روشن است، بنسای

بر این حرکات افلیت در مجموع در خدمت آن
جریان فرامی فرار می کنند که خود استخاله گران پسندان
خدمت می کنند. وقتی استخاله گران فاقد هرگونه
آینده آن باشند، وقتی حرکات آنان ضربه زدن به
مقاومت و در جهت تشبیت رژیم حاکم باشد، بنسای

بر این رهبری حشسریست افلیت نیز هم در خدمت
اهداف رژیم فرار گرفته است.

ثانیاً - وقتی افلیت ناخدی که حرکاتش تاخیر دارد
نه فرمیست و استخاله گران بلکه انقلاب و سرروی
رهبری کنند آنها هدف فرار داد و پیدان تبلیک

می کند، صعبا خوشتر خدمتی بسیاری به رژیم خمینی
خواهد کرد. می گویند نیروی را که با تمام وجود
به رژیم ضربه می زند و برای سرنگونی آن مبارزه

می کند، با ادعای مزورانه استخاله گرنخشی کند.
عزیزان این اقدامش موثر باشد، همانقدر
آب به آسیاب ارتجاع حاکم ریخته و همانقدر

بدان خدمت می کند.
ثالثاً - وقتی فرار باشد مردم پندیرند آن نیروی
انقلابی که با تمام وجود به مبارزه مرگ و زندگی
با رژیم حاکم پرداخته و برای قیام مسلحانه

مردمی و انقلاب از هیپوکریه فدائاری و بان
فدائی درج نمی کند، معتقد به استفاده است
و می خواهد رژیم را بر میزه کند، آنوقت در میدان

هرگونه حرکت بدی از جانب افلیت (که بر خلاف
سویاتش هنوز هم موفق به تشبیل نمیتهد معنی
اعتقاد شده، سوز به تشبیر منصفه از قدرت

حیثی کرده (این موارد در برنامه عمل افلیت آمده)
به این نتیجه خواهد رسید که پیرانقلابی نتیجه
است. یعنی افلیت به میزانی که حرکاتش موثر است

به همان میزان مبارزه مردم برای انقلاب را حشس و
آنان را از انقلاب دلسرد می کند. صعبا از این
خدمت صعب رنارنگی از نیروهای داخلی و بین

المللی استفاده می کنند که افلیت چاپچا مدعی
می شود که علیه آنان مبارزه می کند. این تعداد
فی نیست که نیروی با ظاهر چپ و ادعای هر

ضعف سراق عملا در خدمت اهداف ارتجاعی فرسار
گیرد. تاریخ نمونه های فراوانی از این همسوییها
و اتحاد عمل های صاهرا غیر قابل توبیه را داشته

است که در بخت بعدی مقاله به یک نمونه برجسته
آن اشاره خواهیم کرد.

نمونه دیگری که افلیت بصورت مستدر فرستند رادیو
تو اثر تفرار می کند، مخالفت با شعار صلح در بینگ
ایران و عراق شطحه سیاست انقلابی و مردمی

شورا پیرامون صلح است. افلیت نقطه حرکت خود را
را در این رابطه اساساً یک دروغ آشکار و بی
خدمت می کنند. وقتی استخاله گران فاقد هرگونه
ولنگارانه قرارداد داده که گویی سورا

صلح را در رژیم خمینی می خواهد. شاید



... این صدا

اقلیت کر و کور باشد که نداند آنچه اتفاق افتاده است. سیاست صلح تنورا و مباحثین برنگر و صدمه است داده. همان نوع صلح پذیری این رژیم جنگ امروز است. اما اقلیت ابتدا موضع سورا را تحریف می کند و سپس این موضع تحریف شده را نقد میکند. اقلیت معادله رفیق مهاجر در نشریه تنورا را دلیلی بر صحت ادعای خود می داند. نه در آن معادله و نه در هیچیک از اسناد تنورا و مباحثین دلیلی بر اثبات ادعای اقلیت وجود ندارد. در حالی که اقلیت سازگاری شده طی یک معادله اساسی مدعی شد که ادامه جنگ دیگر خواست رژیم نیست. در معادله مذکور تحت عنوان "اهداف رژیم جمهوری اسلامی از جنگ و چشم انداز تحول آینه شده در خرداد ۶۲ منتشر شد. متبذله می خوانیم. "رژیم جمهوری اسلام می همچنین نوانسته است تا حد زیاد د بحرانهای داخلی خود را تخفیف دهد. مخالفین سیاسی خود را سرکوب کند. بلوغ و اقدامات مستقل نوده ای را سد کند و تشاد نمای خود را تخفیف دهد. در همین معادله مدعی شد که هدف اصلی رژیم به نمود بیک صلح غیر رسمی تحت عنوان حالت "نه جنگ نه سرد" میسر شود. سکتاریست و بی تدبیر امنیت از آنها نه بیسرازنون دماغ خود را نمی بیند، ظاهراً بدعت صود نسی شدن حالت نه جنگ نه صلح در سال ۶۲ و فیر از عملیات بدر، این فکر خام به معزتر حضور کرده بود که رژیم "بحرانهای داخلی خود و تضاد های درونی خود را تخفیف" داده است و از بنیبه داخلی به اهداف که از جنگ داشته رسیده است و بنا بر این ممکن است صلح کند، پس شعار صلح امروز بیون دموکراتیک یک شعار "خرد بورژوازی" توهم آلود است و باید شعار "تبدیل جنگ بسه جنگ داخلی" را سرداد. صرفنظر از اینکه این تحلیل سراپا غلط نشان دهنده خصوصیت متزلزل روشنفکران خرد بورژوازی اقلیت است که قادر به تحلیل واقعی روند های مشخص نمی نیستند. مخالفت با شعار صلح و خواست عمومی صلح نشان می دهد که اقلیت تا کجاء در برهه سیر می کند. زیرا اگر این جنگ سرپوشی برای سرکوب داخلی است و اگر این جنگ مانع گسترش مبارزه طبقاتی است. اگر این جنگ در خدمت اهداف رژیم و امپریالیسم جهانی است و اگر این جنگ برای رژیم آب حیات

است و بجز سران خود رژیم در "راسامور" است. چگونه صلح می تواند بسود رژیم باشد و چگونه شعار صلح می تواند "توهم خرد بورژوازی" باشد تازه به چه دلیل تبلیغ مداوم و گسترده صلح بسه معنی اینست که تنورا صلح را از رژیم درخواست می کند؟ بی پایه بودن این ادعای اقلیت آنست. آندار بودن حتی راهکار نیز این ادعای اقلیت را نه تنورا صلح را از رژیم می خواهد، در فرد. علاوه بر آن اقلیت مدعی است که با طرح شعار "تبدیل جنگ به صلح داخلی" در مقابل سیاست صلح تنورا و "الترناتیو" انقلابی "ارائه داده است. اما در واقع در مقابل توجیه ترفه انداخته است. مباحثین و سورا در چند سال گذشته درگیر یک جنگ داخلی گسترده و همه جانبه با رژیم بوده اند. چنین می گوید:

"سرکوب هر انچه به معیار جنگ داخلی در گسترده ترین ابعاد آن، جنگی به زبان عامی مردم است" (لنین - اندک روسیه و همایه پروتاریا)

اگر اقلیت این گفته را قبولی کند باید می داند که از خرداد ۶۰ تا سون در صبر باید صلح و معسر بیرون دارد. در این اقلیت این صلح همه جانبه را هنوز یک داخلی نمی داند و هنوز "جنگ" را از موضع نه "همه سرایش آماده" یا صلح "آماز" نداند. اشتباه سیرگاه آن "سرایش" مصوب اقلیت برابر جنگ داخلی "اقلیت فراموشی و سر از ندر واقعیت های عینی جنگ داخلی (جنگ طبقاتی و مردم علیه رژیم خمینی) در با همه ما برهان دارد و اقلیت بیپوده می نوسد این جنگ را انسان کند تا بعله پردازنها و اغلاطی عانیها را شخصی خود را اثبات کند. لنین در مورد جنگ داخلی در جواب کسانی مثل اقلیت می گوید:

"به امداد خود نگاه کنید، سر سورا از چه بره نایینه خود بیرون آوید تا بتوانید بد این سواست پاسخ دهید. مگر خود حکومت اشون یا تیربارانها دسته جمعی افراد مصالحت جو ویرا ساخته در صبه یا جنگ داخلی را شروع نکرده است؟ مگر باند های صلح بقتابه ر "برهان" حکومت متعلقه مدهول عطیاتی نیستند؟" (لنین - د و نائیت)

حال اگر چشمان سکتاریستهای اقلیت نور است و نمی تواند موانع صلحانه انقلابی و جنگ انقلابی علیه رژیم را ببیند، آیا حرکات و افعال رژیم نشانه آندار و نبود یک جنگ داخلی نه از صفا در محور آن نه اقلیت، بنده مباحثین و سورا را گرفته اند

نیست؟ شاید منظور اقلیت از "جنگ" نه جنگ صلحانه علیه رژیم از باسی حاکم بنده جنگ حرف و ادعای بورژوازی است. نه علیه رژیم، بنده علیه نیروهای اندک است. در این صورت اقلیت واقعا یک جنگ واقعی را برانگیخته است. منتها این جنگ، جنگ دین برانگی در صفوف خلق و علیه نیروهای انقلابی و بر محور آن مباحثین خلق است. شاید رهبران اقلیت بدعت مهم پائین خود جنگ داخلی را همان پیام تصور کرده اند. در این صورت باید به آنان که در جنگ داخلی مترادف پیام نیست، هر چند که قیام عاقبتین مثل جنگ داخلی است. در اینجا برای اینکه خوانندگان معادله با نمونه تاریخی اینگونه ادعاهای صاهرا "چپ" ولی در عمل راست، آشنا شوند، به درایت نمونه تاریخی میپردازیم.

متکلمی که اندک به اشهر پیروز شد، لنین مدافع صلح با آلمان بود. اگر چه صلح لنین در ابتدا صرفاً در پنداشی نداشت، ولی چون در جهت سواست عمومی مردم بود پذیرش ارگانهای تصمیم گیری فرار گرفت. اما گروه "کمونیست های چپ" با این سیاست لنین بدعت مخالفت میکردند. لنین در مورد این گروه نوشت:

"دست در مصالحت آنها نشان می دهد که این حرکت ماهیت طبقاتی نداشته و تنها حرکت زنده های روسیست و بیگانه گانی است که مخالفت با صلح را درون شعارهای انقلابی خرد بورژوازی می بینند. چرا که برآستی این توده های کارگران و دهقانان استعمار شده بودند که صلح را به تصویب رسانیدند."

(لنین - چاروی کودتان مود هنیت خرد بورژوازی)

سپس لنین در مورد نتیجه اینکه از صلح پرسست بپتومسک عاید شد می نویسد:

"به همین علت است که همانانی که با نتایج صلح مخالف بودند، با کودنی تمام در دست امپریالیست ها به بازبیه ای میدل شده و به تله ای کسه بوسیله امپریالیستها برای آنها تمبیه شده بود، می افتند" (همانجا)

"کمونیستهای چپ" نیز مثل اقلیت که سیاست و شعار صلح تنورا را ناشر از "توهم خرد بورژوازی" می داند، معتقد بودند که توده های "دهنیست" صلح "مفعل" بسیار آهسته شده اند و لنین در

مرد آنان با تفسیر می‌گوید... این صدا

به نفعه می‌باشد بعد از سه سال جنگ ارتجاعی زجر دهند مردم قدرت‌شورانی و تانک‌های آن که بدون غلتیدن به درون جلهه پردازهای صرف‌مهلشی، ولو بسیار کوتاه، صلح نامصدشن و منزلزل، را نصیب آنها کرده است. پادگزارند. روشنفکران نوجوان "چپ" با خود شیفتگی پرچمال خود ستانی، متعصبانه اعمام می‌کنند "کسه توده ها (؟؟؟) به مقدار فراوانی به ذهنیت صلح متعصب (؟؟؟) آغشته (؟؟؟) شده اند. "معاذ با" سپس لنون کمونیستها را از غلتیدن به اینگونه جلهه پردازها بر حذر داشته و می‌نهد:

"آیا یک دعوتیست با حداقل آگاهی از دینیت و شرایط زندگی مردم زحمتکش و استثمارکننده می‌تواند بدون عقیده معمولی یا روشنفکران سردم‌پوزوایی بی‌مدعه با بهمان بینی اسراف در یک سزای چپکی که "ذهنیت صلح" مارا متعصب میداند در حالیکه کشیدن سمیر معاشی خود را "فعال" توجیه می‌نند، بلغزد؟" (معاذ با)

بیه در سر بزرگی، گوشت درد لنین هم با درد شورا یکی بود. در مقابل سیاست صلح شورا چریک‌ها بی عمل، پرمدها، بی پرسش، "تفسیر" انقلابی گری" و "چپ‌نغانی" می‌کنند و باید گفت دشمنی اقلیت نیز دشمنی "معاذ با" است، آسم معاشری آب دیده. لنین برای اینکه جمعیت واحدی اینگونه "کمونیستهای چپ" را روشن کند، می‌نویسد "آیا فرضی که من در دگره حزب کردم که روزنامه و یا نشریه "چپها" نباید "کمونیست" باشند سزای چپند نماید. شود حق داشتیم؟"

منصور از دگر این نمونه تاریخی خواستیم نشان دهیم که اصلاح اقلیت تا کجا پیش می‌رود. و چگونه باز چه دست امپریالیست‌ها می‌تندند.

اگر اقلیت شهادت دارد، حداقل اعتراف کند که در مخالفت با شعار و سیاست صلح شورا نادبایسته ارتجاع حاکم خدمت می‌کنند؟

به هر حال موضع اقلیت در مخالفت با شعار صلح و سیاست صلح شورا روشن است. موضع شورای عالی مقاومت نیز روشن است. شورا تا هنگامی که رژیم سرنگون نشد، هو به پشت ادامه می‌دهد، با بسیج شعار صلح در بین توده ما، با فراخوان سربازان

به فرار از جنبه ها و پیوستن به نیروی مقاومت، با دعوت مردم به رفتن به سرایزی و... توده ها را برای صلح و آزادی بسیج می‌کنند و به محض رسیدن به قدرت بر اساس طرح صلح شورا اقدام به آتش‌بس و مذاکره برای صلح خواهد کرد.

همانگونه که از طرح صلح شورا مشخص است، مبنای مذاکره فرار داد سال ۱۹۵۷ الجزایر است. البته در صورتی که هیچگونه پروتکل - کوگرانه بی‌به این فرار داد شعیبه نباشد. شورا بر اساس عدم دخالت در امور داخلی دیگران و به رسمیت شناختن حق مردم ایران و عراق، در تعیین سرشت خویش و تبلیغ سیاست دوستی مللها میان مردم به صلح می‌کند. اگر ناشیون اقلیت از هرگونه موضع‌گیری رود فرج مد - شورا خود داری کرده تعبیر نمی‌کند. زیرا اقلیت می‌داند که نه تنها قادر نیست هیچگونه ایراد به این طرح بگیرد، بلکه قادر نیست - معاذ با - بر سر ارائه دهد.

همه در مخالفت اقلیت با شعار صلح و سیاست صلح شورا می‌تواند - به جهت عدم موجودی بر تاثیر یافتن - اقلیت هیچگونه پسم اندازی بر صلح در مقابل بود. مخالفت با صلح و اقلیت فریاد مبار "بندگ بندگ با چریک‌ها" است. دیگرگ شورا - بند و بشر اقلیت تمام تلاسهای سرکشی و تخلفات شورا را بر سر با چریک و فروریست‌ها قرار ندهد. بورژوازی که داستان نوشتن آورد خود را با لژ کردن مد - پنهان می‌کنند، متد و تر علیه آرمود می‌گیرد. این مدلم است که در خدمت سیاست بندگ امروزانه رژیم حاکم و مناف رژیم در این بندگ فرار گرفته خواه نامشوا در مقابل ارتجاع بندگ امروز حاکم جنبه شائری می‌کنند. مسلما شکار صومسی وار بعدتر از همین اینته پسا وجود حکومت بورژوازی در مردم و کشور - صلح نمی‌تواند پایدار بماند و بندگ شکار مدنی است. تکرار بعدتر است که بیشتر به "ریزسوانز" بدون محتوا تپیه است تا به بندگ بدی.

و بشر لنین می‌گوید:

"باید علیه جلهه پرداز از انقلاب بر مبارزه کرد این مبارزه واجب است، حتما باید مبارزه کرد - روزی این جمعیت تلخ در باره ما صدوا و پی صدا نکند که، جلهه پردازان اعمام بی در پیاره بندگ اندازیم، انقلاب را تپیه ساختیم"

منظور او مبارزه با کسانی امثال اقلیت است که به خود پرستی حصران حاضرند یک انقلاب، پسند مقاومت و پیله مبارزه دوران ساز را تپیه کنند، امثال خیرانه خود را جامه عمل بپوشانند. ما چون می‌دانیم که مخالفت اقلیت با سیاست صلح شورا هیچ انگیزه بی جز، خود پرستی و خود ستانی چند روشنفکر تنگ نظر ندارد و فاقد هرگونه انگیزه مسئولانه است. و چون می‌دانیم که سیاست اقلیت برای انقلاب و مقاومت انقلابی مخرب است و چون می‌دانیم که این سیاست در خدمت اهداف رژیم چندت افروز است همچنین اقلیت هر قدر هم چار و بنجال کند، نمی‌تواند سیاستهای آثارشستس اپورتونیستی و چپ‌نغانی خود را در پیشگاه نارگران و زحمتکشان توجیه کند، بر اساس رهنمود لنین خود را موضع می‌دانیم که با "جمله پرداز - بهاد انملا بر نغای" آن که خود بدان "بانک رسای نارگران" می‌گوید مبارزه نمی - زیرا این مبارزه "واجب" است. زیرا شورا نمی‌خواهد این جمعیت تلخ شامل حال او شود که با سکوت در مقابل اینگونه خود ستانی‌ها، اینگونه جلهه پردازهای که مامیت آن اساسا راست و نتیجه آن خدمت به رژیم حاکم است، انقلاب را تپیه سازد. شورا

و ما باید مدین خلق در محور آن برای دفاع از انقلاب مردم ایران، برای سرانجام رساندن پیام مسلحانه مردمی، برای سرنگونی رژیم حقیقت، مسلما استوار و سرسبز پیش خواهند رفت.

اقلیت مدعی است فکر کند که سیاستهایش می‌تواند مصلحتی باشد برای ابراز وجود و پدیدت برهان افراضی که همیشه می‌خواهد تغشرا بورژوازیون افراضی را بسازی کند.

اما از بدی یا خود حادثه سیاستهای اقلیت نه در خدمت اپوزیسیون بلکه در خدمت بورژوازیون مویبند فرار می‌گیرد. متعاضونی اقلیت نخواهد در اپوزیسیون سروماتی قرار گیرد که با تمام وجود علیه نظام حاکم میا بپرد. اند، آنچه واقعا وصل در مقابل انقلاب مردم ایران قرار گرفته است، ما پس اقلیت تومیه می‌کنیم که این جلهه لنین را در نظر بگیرد. "باید شهادت داشت و بی پروایه چپسره حقیقت تلخ نگریست و بدان اعتراف کرد"

(لنین - بحران حزب رانویه ۱۹۲۱)
بعبه در صفحه ۹

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده‌ای شکست ناپذیر است

جنگ ...

بعیه از صفحه ۱
عامل دیگری برای افزایش نارضایتی مردم که میزوم
این آتش هستند، سده اسب - برای رهائی از این
بن بست راه خلاصی وجود ندارد . اگر به جنگ
پایان بخشند و به علمی نه حقوق خدقهای ایران
و عراق را تامین کنند ، تن درد هند و بید بید دگسه
این همه کشتار و ویرانی پسرای هیچ بوده است ،
پایان عمر رژیم ننگینمان را امضا کرده اند . و اگر
به جنگ پایان ندهند و وضع موجود را حفظ کنند ،
نارضایتی های ناشی از همین وضع دامن آنها را
خواهد گرفت و بیشتر انقلابی خدقهای ایران
از رویه ای دیگر بر آنها خواهد تاخت .
در رابطه با این موضوع است که حاکمیت معور
سیاست " شل کن ، سف کن " را در پیش گرفته
است و بازی سوم دیگری را با سرنوشته خدقهای
ایران و عراق آغاز کرده است .

تاکتیک " عملیات محدود " و گذاشتن سنگ به خلیج
فارس ، محصول همین بن بست و همین سیاست
است . اینان می خواهند آند در به همین وضع
ادامه دهند تا راه زبانی برایشان پیدا شود .
طبقاً بهای سنگین این سیاست بر دوش خدقهای
ایران است . آنها هستند که بزور شهید جان
و مال خود به گوشت دم توب ارتجاعی عام تبدیل
شده اند و بهای ادامه حاکمیت ارتجاع و رونسق
بازار فروتر اسلحه امپریالیستها را با بان خود
می پردازند . آری شعار " بنگ ، بنگ ، تا پیروز " و
" بنگ ، بنگ ، تا روح فتنه " که از طرف رژیم
داده می شود ، یعنی " بنگ ، بنگ ، تا نابودی
خدقهای ایران و عراق " و " بنگ ، بنگ ، تا پسر صرف
سند خصمی که از سوی خدقهای ایران ، این رژیم
پوسیده را تهدید می کند .
سر بازار و پرستل آزادینخواه ارتجاع ، جوانان و نوج
بوانانی که به هر دلیلی به این بنگ ، تا نابودی
سیده شده اند ! متحدان مایل مردم و ممالک
کسور حکم می کند ، که به این بنگ ، تا نابودی
په زودتر پایان داده شود و این امر نیز با وجود
این رژیم جنگ افروز ، رژیمی که موجودیتر در کسور
ادامه بنگ است ، ممکن نیست . برای رسیدن به
حلی دموکراتیک و عادلانه ، راهی جز سرنوشته
این بنگ افروزان وجود ندارد . معور خود را در
ندارد . قیام صلحانه سوز از مسدول و مستحکم
شید و با همه هوا - برابری سیاست های سیاه رژیم
ارتجاع حاکم مقاومت نمایند .

انتخاب ...

بعیه از صفحه ۱
خبرگان تعیین بنامشین بعد از مرگ این پلاد
بود ، نه در خیال - وی .
رژیم لرزان خمینی در مقابل رشد مبارزات
توده ها ، نه تنها اقدامات و بحرانس که
گریبانگیرش است ، نتوانسته فائق آند ، بلکه
روز به روز به سقوط نزدیکتر می شود .
خمینی بنایتکار و هم پالگهایش رفتی مرگ و نیستی
شود را نزدیک می بینند ، برای مدت بیشتر سموت
زدن ، تلاش می نمایند ، و اینبار برای بهسازی
رژیمشان ، دیتاتور دیگری را کاندید می کنند .
در مجلس خبرگان اختلاف فاحش زیاد بر سر نجیبی
فقیه آینده وجود داشت . صورتی که گردن منتظری
مورد مخالفت بسیاری از آروند ها قرار گرفت .

از نظر سرداران و یه فقیه آینده خمینی در زمان
حیات مسنده بانسین را مستحربند ، بسیار
مهم است . زیرا می داند بعد از مرگ وی چه
پلوازی بر سر فقیه بود ، که در بین آشوب سازان
می گیرد . و معده خود خمینی مادر است ، بلکه
منتظر را به جوان فقیه آیت الله بهار متابعان
درونی امر با بیانند از .
همچنین با این انتخاب می خواهند به اصلاح
بداوم حکومت لرزانان را بدانند .
په همین منظور منتظری که از ۱۸ - انگو - ساگرد
سختی و مزد و سلفه بیشتر می باشد ، مدتها
نه در مدرسه کثیف خمینی تعلیم دیدن با سوری
گرن براد آیند . می آموزد ، از انجا که خمینی
در میان مردم بسیار معور شده است ، منتظر
سعی در رساندن او به پیروز آردیتر آرد .
وز با پیروز آردیتر هم می چون رهبر سون
را می کند . اما این بنایتان آند خودشان
را روزند ، آند که دیگر حاسیان براد نبود ، اما
رنگی ندارد . از نظر مردم په خمینی و یه
منتظر و په هر نظر دیگر از این رژیم پلاد و
باید سرنگون بشوند .

این صدها ...
بعیه از صفحه ۸
راهی که اقلیت می پیچاید ، راهی است " حریف
خاد پپ " روسیه می شودند . اقلیت باید بداند
که تمام پارو و پانهای رادیونیتر او را از گردن
نقد آن گرفته اند ، نباید نتوانند . اد - بنگسه
بیشتر در آبرو خواهد برد ، سالها سابقه مبارزه
مسلحانه اعدایی از جانب اقلیت ، موافقت با جنگ و
رفرمیست است . اقلیت پلاد معور ننگ آلسی را در ؟

یاد ساعدی ...

بعیه از صفحه ۱۰
خارج از شور داد ، تریه ساعدی دور از وطنش
زندگی می کرد ، اما همیشه بیاد مردم وطنش و
در آرزوی سرنگونی رژیم منحدر " ولایت فقیه " بود .
و تمام انرژی و توان خود را در همیاری و کمک به
مقاومت عادلانه و مردمی گذاشته بود . آخرین
کار هنری وی که بصورت تاتر " انللو در تبعید " عرضه
نمود مورد استقبال نهادی از هموطنان ایرانی
در آرگنتین - ساعدی که زندگیتر با زحمتکشان
عجین کرده بود ، با مرگ خود از دوه فراوانی در میان
مردم و نیروهای انقلابی بر جای گذاشته . ما
بار دیگر در گذشت این نویسنده مردمی را به
شدق مهربان ایران و په خانواده و نزدیکان وی
تسلیم می گوئیم . یادش گرامی یاد

برخی از

- خارجی
- ۲۸ نوامبر ۱۸۲۰ - تولد مرد ریگ انگلر
- ۲۸ نوامبر ۱۹۸۱ - خود سوزی زن فدائیان ایتالیایی
" آماد الفروبو " در اعتراض به اعدام نودگان و نسو
جوانان در ایران توسط رژیم خمینی
- ۲۹ نوامبر - روز جهانی همبستگی با مبارزات خلق
فلسطین
- ۱۹ نوامبر ۱۶۴۲ - سالروز آزادی آلبانی
- ۲۰ نوامبر ۱۹۶۷ - روز استقلال جمهوری دومنرا -
تیک خلق یمن
- ۱۲ دسامبر ۱۹۱۰ - روز استقلال مدی کینه
- ۲۱ دسامبر ۱۸۷۹ - تولد ژوزف استالین

حکومت ...

بعیه از صفحه ۱
سازمان ملل متحد برای نخستین بار قطعنامه ای
مبنی بر نقض حقوق بشر در ایران صادر کرد .
در ایامر عیسویتهای به معن صومر دختر ناصم
روزی از صرف شورا و پند نغز از میاهدین ششجه
سده سرت فعال دانستند . ربانی خراسانی
نمایند و مزدور رژیم در این به معن با تلاش فراوان
سحر در وارفته بنوه دادن اسفاگرهای هوا -
داران سنده سده - بیامدین خلق دانست .
ویر با نامی ترند خاواسیادیهانی که بشرح داد
به معن صومر سازمان ملل با استناد په شواهد زنده
و تزارسات موتی و با التشر آراء معن حقوق بشر در
ایران را توسط رژیم ضد مردم خمینی محکوم و برگی
دیگر در افتای نارنامه سراسر خیان و بیایست
این رژیم مسور افزود " این قطعنامه که توسط
پازده شور ارائه شده بود با ۵۲ رای موافق په
تصویب رسید .

